

متن پرسش

با عرض سلام من یه مدتی بود که درباره ی عرفان هند مطالعه و تفکر می کردم بعد از مدتی به نتیجه ای رسیدم که مایلیم هم دلیلش رو بدونم و هم این مسیر رو برای کسانی که مثل خودم دچار کنجکاوی بی قید و شرط هستن روشن کرده باشم. بعد از مدتی مطالعه و تفکر در این باب متوجه شدم که قدرت کنترل کوچکتترین احساساتم رو ندارم! حالت عجیب و البته وحشتناکی بود مثل این بود که دیگه رو هیچ چیز خودم کنترل نداشته باشم و کاملاً تسلیم خیالاتم بشم تا جایی که خیالات به من حکومت کرده و کاملاً در رفتار من خودشون رو نشون می دادن. روز عید غدیر بود، از شدت اضطراب و از هم گسیختگی به حضرت امام حسین (ع) توسل کردم و ایشان رو به حضرت علی اصغر قسم دادم که من رو از این اسارت عجیب نجات بدن، باور نکردنی بود چون به سرعت میل به خضوع و خشوع در برابر خداوند پیدا کردم و به درگاهش خاشعانه گریستم و اون حالت اسارت و ازهم گسیختگی وحشتناک روحی از من رفع شد. و آرامش و اتحاد عظیمی توی وجودم حاکم شد. میخواستم شما دلیل عمیق این مساله رو برام بیان کنین و اگه کتاب یا سخنرانی در این باب دارین معرفی کنین تا شناخت بیش تری از این مشکل پیداکنم. ممنون، التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی، سلام علیکم: ائمه «علیهم السلام» نمونه‌ی کامل توحیدند و در زیارت جامعه به خداوند اظهار می‌دارید خداوند راضی شده آن‌ها «ارکاناً لتوحیده» ارکان توحید او باشند و راه توحیدی شدن را که منجر به نفی منیت‌ها و حاکمیت خدا می‌شود در ما ایجاد کنند، شمه‌ای از آن را به شما نشان دادند که بدانید جای دیگر خبری نیست و بیشتر در غیر فرهنگ اهل‌البیت «علیهم السلام» قدرت نفس است و نه قدرت توحید الهی. کتاب «مبانی نظری و عملی حبّ اهل‌البیت «علیهم السلام» و کتاب «حقیقت نوری اهل‌البیت «علیهم السلام» در این رابطه إن شاء الله مفید خواهد بود. موفق باشید